

چالش های آموزش و یادگیری در مقطع ابتدایی مدارس ابتدایی گیلانغرب

تاج الملوک یارمرادی دندانه

کاردانی آموزش ابتدایی، کارشناس تربیت بدنی، فرهنگی آموزش و پرورش

چکیده

شاید نظر بعضی از صاحب نظران تعلیم و تربیت را نتوان نادیده گرفت که ریشه ی بسیاری از مشکلات نظام آموزشی در مقطع ابتدایی مدارس ابتدایی کشور را در گذشته می دانند؛ بی گمان و به تصدیق با تجربه ها، هر از گاهی تغییر و تحولات جدید نظام آموزشی در مقطع ابتدایی مدارس ابتدایی کشور و بازگشت به همان روش ها و شیوه های قدیمی مطرود، خود کلاف سردرگمی را می نماید. بعضی دیگر از این نظریه پردازان معتقد بوده و هستند که باید با مطالعه و برنامه ریزی دقیق نظامات آموزشی دیگر کشورها، برنامه ی مدون با اهداف والای کشورمان، ایران را پیدا کنیم. شاید به تعبیر من، آزمایشگاه خوب و بد دیگران باشیم. (نمونه ی بارز آن، اجرای طرح کاد و جایگاه مشاوران در مدارس ابتدایی و...)

واژگان کلیدی: چالش، آموزش، یادگیری، مقطع ابتدایی، مدارس ابتدایی گیلانغرب

مقدمه

امام صادق (ع) فرمود: به راستی هنگامی که عالم به علم خود عمل نکرد، موعظه او در دل های مردم اثر نمی کند، همان طور که باران از روی سنگ صاف می لغزد و در آن نفوذ نمی کند!

شاید مهم ترین جهتِ چنین واقعیتی، عدم تمرکز و بی توجهی به دانسته هاست. گاهی آگاهی های ما کاملاً در کانون توجه ما قرار دارند و در صفحه ذهن ما زنده و بیدارند و گاهی بایگانی شده، مورد غفلت و فراموشی واقع می شوند به طوری که اگر از ما در باره آن ها سؤال کنند می توانیم پاسخ دهیم اما در شرایط عادی زندگی به گونه ای رفتار می کنیم که گویا چنین دانسته هایی نداریم.

اجازه دهید زیاده گویی نکنیم و به برخی از این موارد اشاره کنیم:

- توجه به مشارکت دانش آموزان در فعالیت های کلاسی (تراکم دانش آموز در هر کلاس ۳۲ نفر - ظرفیت فضای کلاس برای ۲۵ تا ۲۸ نفر - به کدام آموزه های مهارتی دانش آموزان توجه داریم؟ خواندن، نوشتن، حل مسئله، ارتباط و ...)
- آیا آموزه های خانه و خانواده ها با آموزه های تعلیم و تربیت همگونی و همسویی دارند، ما چه بستری را برای تغییرات و تحولات بوجود آورده ایم؟
- آیا معلمین در مقطع ابتدایی دبیران ما هم همسو با تغییر و تحولات نظام آموزشی در مقطع ابتدایی مدارس ابتدایی کشور حرکت می کنند؟ (واقع بین باشیم) هنوز تفکر سنتی بر اکثر ما قالب است و روش های تحولی ما در سیستم با مقاومت روبروست.
- طرح ارزشیابی توصیفی (حذف نمره و جایگزینی ارزشیابی توصیفی پس از گذشت پنج سال کاستی های خود را بیش از پیش نشان داده) برای تفهیم مطلب این سؤال را دارم؛ طی پنج سال گذشته، چند دانش آموز در کل منطقه و شاید بهتر بگویم کشور را سراغ داریم که به دلیل ضعف درسی، مشروط شده که سال بعد آن درس را دوباره پاس نماید؟ هنوز هم بسیاری از مدارس ابتدایی کشور، نمره درسی را براساس محفوظات در نظر می گیرند و دانش آموزی که بیشتر حفظ کند بهتر نمره می گیرد و در این شرایط هرگونه ابتکار و خلاقیت از فراگیر سلب می شود.
- با توجه به شعار تجهیز مدارس ابتدایی به تکنولوژی هوشمند روز، هنوز پس از چندین دهه از بکارگیری کامپیوتر در مدارس ابتدایی کشورهای توسعه یافته، بسیاری از مدارس ابتدایی کشورمان فاقد این وسیله کارا و موثر است. بسیاری از دانش آموزان و شاید بی تردید بسیاری از مدیران و معلمان هنوز چگونگی استفاده ابتدایی از رایانه را نمی دانند و درس و واحدی نیز در دوره های مختلف تحصیلی برای این منظور پیش بینی نشده است.
- هنوز هم چون گذشته معلمین در مقطع ابتدایی در کلاس درس متکلم وحده اند و هنوز هیچ راهکار عملی برای پویایی و پرسشگری دانش آموزان تدوین نشده یا حد اقل توجه نمی گردد.
- با وجود متولّی بودن دستگاه های ذی ربط موضوع اوقات فراغت دانش آموزان، شاید گزارف نباشد که بیش از ۵۰ الی ۶۰ درصد دانش آموزان از برنامه های اوقات فراقت بی بهره اند. (بزهدکاری نوجوانان و فرزندان مان را که روز به روز افزوده می شود، به کدام دلیل ناگفته نباید دید.)

کتاب درسی و تغییرات آن ها

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یکی از اولین اقدامات مسولین امر، ایجاد تغییر در کتاب درسی بود. این تغییرات که در سال های آغازین انقلاب (به دلیل وجود مشکلات مهم و اساسی) به شکل کامل و همه جانبه انجام گرفت در سال های بعد ادامه پیدا کرد و به مرور اتفاق افتاد. مسلماً دگرگونی کتاب در همه ی دوران بوده و بشر ناگزیر از پذیرش آن هاست، زیرا هر کس فرزند زمان خویش است و بدیهی است تغییر کتاب های درسی در سال های اول تحصیل یکی از ضرورت های زمان ما بوده، زیرا از همین دوران

است که کودکان اندیشه‌ی درست و راه صحیح زندگی را باید بیاموزند و در عین فراگیری زبان، مهارت‌های لازم را برای سازگاری با زمان و زندگی و پیشرفت شتابان علم و تکنولوژی به دست آورند.

- امروزه شاهد هستیم که اغلب مفاهیم تغییر یافته‌ی کتاب‌های ابتدایی گویا نبوده یا وضوح برانگیزاننده ندارد و شاید بهتر است بگوییم دانش آموزان را نمی‌تواند نقاد و تحلیلگر بار آورد. (این مطلب را می‌توان در سال‌های آینده‌ی تحصیلی اکثر دانش آموزان مشاهده کرد).
- وجود سؤالات یا فعالیت‌هایی که یافتن پاسخ و حل آنها مستلزم به کارگیری مراحل کاوشگری، تحقیق و روش علمی باشد کمتر دیده شده.
- وجود موضوعات یا مسائلی که یافتن پاسخ و حل آنها مستلزم به کارگیری مهارت‌های جمع‌آوری و پردازش اطلاعات (از منابع گوناگون) باشد کمتر مشاهده می‌گردد.
- عدم وجود سؤالات و فعالیت‌هایی که دانش آموزان را در موقعیت‌های مبهم و خلاقیت برانگیز قرار می‌دهد و راه حل مشخصی مستقیماً در کتاب برای آنها ذکر نشده است و تشویق به ارائه راه حل‌های جدید و ابتکاری.
- عدم توجه به تقویت تفکر نقاد (بررسی همه‌جانبه یک موضوع و قضاوت منطقی و آگاهانه) از طریق طرح پرسشها، فعالیت‌ها و متون مناسب.
- اغلب تغییرات نقش اندکی در فعالیت‌های آزمایشگاهی و تحقیقی دارند و اگرهم باشد، معیمن به دلایل زیادی از بکارگیری آنها خودداری می‌کنند.

ارزشیابی توصیفی

منظور از روش‌های توصیفی در مقطع ابتدایی مدارس ابتدایی کشور در ارزشیابی توجه به رویکردی است که در آن معلم تغییرات و تحولات ایجاد شده در دانش آموز را با فنون متفاوت بررسی کرده و به صورت مشروح بر اساس شاخصهای پیشرفت و یا اهداف از پیش تعیین شده به اطلاع دانش آموز و والدین می‌رساند.

با بررسی‌های کارشناسان و صاحب نظران طرح ارائه نمره‌ی صرف، ضمن ایجاد رقابت و اضطراب، یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را تحت الشعاع قرارداده و با ایجاد افسردگی، بخش زیادی از منابع و استعداد‌های بالقوه انسانی و اقتصادی را تلف می‌نماید. برخورد معلم و والدین و ارزش بیش از حد قائل شدن به امتحان و تکرار بیهوده آن و استفاده ابزاری از آن باعث ایجاد دلسردی از تعلیم و تربیت و امتحان با این سبک و سیاق، نقطه پایان یادگیری و نوعی رهایی از درس و تحصیل محسوب می‌شود. اساس طرح ارزشیابی توصیفی «ارزشیابی کیفی» با اهداف زیر مطرح و مصوب گردید:

حذف نمره، بوجود آوردن تجربه‌ی نوآوری برخاسته از عمل، بهبود کیفیت یاددهی و یادگیری، تاکید براهداف آموزش و پرورش به جای محتوای صرف، توجه به روش‌های یادگیری موثر و کیفیت یادگیری، بهبود و اصلاح شیوه‌های ارزشیابی، کاهش اضطراب دانش آموزان، بالا بردن مهارت‌های زندگی، توصیف و قید تمامی مهارت‌ها و نگرش‌های دانش آموزان به غیر از فعالیت‌های آموزشی در برکارنامه‌ها در مقطع ابتدایی افزایش بهداشت روانی محیط یاددهی و یادگیری و کاهش فشارها. آنچه قابل تامل است:

- فقدان نگاه نظامند به آموزش و پرورش و برنامه درسی و ارزشیابی توصیفی در مقطع ابتدایی مدارس ابتدایی کشور.
- عدم برنامه ریزی منسجم و قانون مند در حذف بازخورد نمره برای بسیاری از معلمان، بویژه معلمان با سابقه.

مدیریت و شایسته سالاری در مدارس ابتدایی

اصولاً سازمانها بعنوان متولیان توسعه در جامعه و مدیران به عنوان محور اصلی گردانندگان چرخ‌های حرکتی آنها ایفای نقش می‌کنند و سازمانی موفق است که برای رسیدن به اهداف خود از مدیران شایسته تر و ورزیده تری استفاده کند.

شایسته سالاری مجموعه ای است از تواناییها، دانش، مهارت، خصوصیات شخصی و شخصیتی و علایق فرد یا هوشمندی و استعداد که بسیاری از آن تجربی است. عدم توجه به تخصص، تجربه، کارایی، علاقه و توانمندی در انتصاب مدیران مدارس ابتدایی، باعث تضعیف سازمان و سیستم، اقدامات بیهوده و صرف نیروی و زمان همراه با تصمیم گیری های نامناسب خواهد شد. یکی از معضلاتی که دامنگیر آموزش و پرورش می باشد این است که اغلب برنامه ها و تصمیمات اتخاذ شده با تغییر مدیران دستخوش تغییر و تحول می شود. نگاه های سلیقه یی، صدور بخشنامه ها و آیین نامه های متعدد، گرفتاری در وادی سلاقی شخصی و تن دادن به آزمون و خطا، ضربات جبران ناپذیری را بر پیکره نظام آموزشی در مقطع ابتدایی مدارس ابتدایی کشور وارد کرده است. در این میان حقوق مدیران مدارس ابتدایی خود عاملی جدی است برای عدم قبول مسئولیت صاحب نظران و دلسوزان.

برخی دیگر از مشکل انتصاب مدیران ناکارآمد:

- اقدامات بیهوده و صرف زمان و انرژی ارزنده ی کار.
- بوجود آوردن شرایط برای ورود افراد چاپلوس و متملق (بله قربان گویان بدون خلاقیت و...)

نیازهای غذایی

از جمله اموری که می توانند نقش کلیدی در شکل گیری رفتارهای هنجار با نابهنجار داشته باشد، نیازهای غذایی است که بزرگان روانشناسی نیز همچون مازلو به آن اشاره می نمایند. نیاز به غذا، نوع غذا های مصرف شده در منطقه، تنوع غذایی، انتخاب غذا و مشکل در انتخاب غذا را می توان به عنوان سلسله ی غذایی دانست.

به این صورت که در ابتدا انسان فقط به دنبال چیزی به نام غذا می گردد ۲- چیزی که قابل خوردن باشد هرچند در بین زباله ها و ... ۳- این چیز خوردنی می تواند سالها تکراری باشد و تغییر د نوع غذا جزو آرزوهای فرد است ۴- در صورت تنوع غذایی دست به انتخاب می زند و اگر این تنوع زیاد باشد دوباره برای فرد ایجاد مشکل می کند. دقت مشاور در نوع تغذیه مردم منطقه م ی تواند او را به حل چالشهای این مقطع کمک کند.

آموزش و یادگیری

نوع آموزش و یادگیری های قبل از دبستان دانش آموزان مقطع ابتدایی خود می تواند، چالش ایجاد کند به این نحو که آموزشهای سختگیرانه محیط خانه یا حتی سهل گیرانه ی از حد گذشته ی آموزشها می تواند محیط مدرسه را به چالش بکشاند. آرزوها و امیال ابتدایی سرکوب شده در خواننده های مستبد از یک سو، کودک محوری افراطی در خانواده های بسیار باز از سوی دیگر می توانند در محیط مدرسه چالشهای بزرگی را ایجاد نمایند.

مسائل و چالشهای موجود در مشاوره با دانش آموزان مقطع راهنمایی و متوسطه

در این دوره از رشد، مسائلی برای فرد پیش می آید که آشنایی با آنها می تواند به مشاوران کمک شایانی نماید. برای فهم مسائل این دوره ی سنی ابتدا باید بدانیم که چه مسائلی در این دوره روی فکر و تربیت نونهالان اثرگذار هستند.

نتیجه گیری

در مجموع برای اینکه از این چالشها که ممکن است در محیط کاری با آن مواجه شویم، می توان راهکارهای زیر را در بعضی موارد پیشنهاد داد. البته باید توجه داشت که بعضی از موارد از عهده ی ما به عنوان مشاور خارج است.

در خصوص مسائل مرتبط با خانواده ها: برگزاری جلسات آموزش خانواده، درگیر کردن خانواده ها در خصوص مسائل مرتبط با فرزندان، کمک مالی گرفتن از خانواده های ثروتمند برای راه اندازی ستاد تغذیه رایگان در مدرسه، استفاده از پوشاک یک نواخت در مدرسه، فراهم آوردن وسایل متنوع بازی در مدرسه در قالب اتاق بازی، کمک گرفتن از دولت، صدا و سیما، رسانه های تصویری و صوتی، روزنامه ها و ... برای فرهنگ سازی و انتقال آموزش های درست به خانواده ها، می تواند در برطرف کردن و یا

حداقل کم کردن اندازه ی چالشها در این مقطع حساس کمک شایان توجهی را فراهم آورد. در پایان لازم به ذکر است با توجه به گسترش علم و فن آوری، مسائل و مشکلات نونهالان نیز با نونهالان دهه های قبل بسیار متفاوت می باشد و مشاور موفق مشاوره است که خود را به علم روز مسلح کرده است.

امیدواریم جامعه ای شاد و پویا و بدور از هر نوع نابهنجاری در پیش رو داشته باشیم.

منابع

- [۱] - فریده مشایخ، فرایند برنامه ریزی آموزشی، تهران، مدرسه، ۱۳۶۹، ص ۲۰
- [۲] - سابراتا گناگ، اقتصاد و توسعه، ترجمه زهرا افشاری، تهران، نشر دیدار، ۱۳۷۲، ص ۱۷
- [۳] - حوزه معاونت برنامه ریزی و توسعه مدیریت، دفتر آمار، برنامه ریزی و بودجه، دفترچه آمار، سال تحصیلی ۱۳۸۶-۱۳۸۵
- [۴] - سید داود حسینی نسب و علی اصغر امدم، فرهنگ تعلیم و تربیت.
- [۵] - حسین عظیمی، نقش آموزش و پرورش در توسعه، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲، ص ۳۱ [۶] - حسین پوراحمدی و یحیی فوزی، گفتمان اصلاحات در ایران، سازمان بسیج اساتید، ۱۳۸۲، ص ۱۳
- [۷] - عبدالعلی لهسایی زاده، جامعه شناسی توسعه، دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۲، ص ۱۰۹
- [۸] - حسین عظیمی، جهانی شدن و تعلیم و تربیت، پژوهشکده تعلیم و تربیت، ۱۳۸۲، ص ۳۲